



امام حسن (ع) به برادرزاده‌هایش چه توصیه‌ای کرد؟/ چرا امام هیچ نیازمندی را رد نمی‌کرد؟

گفتارهایی از آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی به مناسبت ولادت امام حسن مجتبی (ع)...

گفتارهایی از آیت الله جوادی آملی و آیت الله فاضل لنکرانی به مناسبت ولادت امام حسن مجتبی (ع)

توصیه ویژه امام حسن (ع): هم‌اکنون به فکر علم صحیح و عمل صالح باشید

گفتاری از آیت الله جوادی آملی

از وجود مبارك امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) رسیده که «كونوا أوعية العلم و مصابيح الهدى» این نصیحت برای همه امت اسلامی سودمند است. این بیان آن است که شما ظرف دانش باشید و چراغ هدایت «كونوا أوعية العلم و مصابيح الهدى» بیان نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است «انّ هذه القلوب أوعية فخيرها أوعاها» یعنی این دل‌ها ظروف معارف است شما در این دل جز معرفت الهی و احکام و حکم حق چیزی قرار ندهید، دل‌ها ظرف علوم است و وجود مبارك امام حسن (سلام الله علیه) فرمود: شما ظرف دانش باشید نگذارید در جان شما غیر دانش چیزی رسوخ کند و برای اینکه این علم نافع باشد فرمود چراغ هدایت باشید.

علم نافع علمی است که هم به حال خود انسان سودمند باشد هم به حال جامعه؛ علم چند قسم است بعضی از علوم اصلاً نافع نیست، ضار است نظیر سحر و شعبده و جادو و امثال اینها که اینها علوم سودمند نیستند، بعضی از علوم‌اند که نافع‌اند، سودمندند، ولی چون در جان ننشسته‌اند و شخص عالم به آن علم عمل نکرده است از علم خود استفاده نمی‌برد این علم برای او نافع نیست و وجود مبارك رسول گرامی (علیه و علی آله آلاف التحيّة و الثناء) به خدا پناه می‌بردند از علمی که نافع نباشد «نعوذ بالله من علم لا ينفع»، بعضی از علوم‌اند که نافع‌اند و شخص عالم به آنها عمل می‌کند وجود مبارك امام مجتبی به ما فرمود علم نافع فراهم بکنید، یعنی علمی که ذاتاً سودمند است و شما هم از او بهره می‌برید. لذا فرمود: «كونوا اوعية العلم و مصابيح الهدى» یعنی ظرف دانش و چراغ هدایت باشید وقتی انسان چراغ هدایت قرار می‌گیرد که دارای علمی باشد که آن علم سودمند است و به علم خود هم عمل بکند.

وجود مبارك امام حسن مجتبی امام دوم ما (سلام الله علیه) يك روز بچه‌های خودش و برادرزاده‌های خودش را در يك مجلس خانوادگی جمع کرد به آنها فرمود: «إتكم صغار قوم و يوشك أن تكونوا كبار قوم آخرين» فرمود فرزندان من! بچه‌های من! برادرزاده‌های من! شما امروز بچه‌اید ولی در آینده نزدیک بزرگ این شهرید، بزرگ این کشورید، بزرگ این مملکت هستیید، بکشید که برای بزرگی‌تان بزرگوارانه قدم بردارید، ببینید امام به امامزاده‌ها چطور سفارش می‌کند، فرمود: «إتكم صغار قوم و يوشك أن تكونوا كبار قوم آخرين» انسان باید از کودکی خودش را اصلاح کند. اگر انسان از کودکی در مسیر صحیح حرکت کرد، حرف بد یاد نگرفت، حرف بد نزد، اگر خواست شوخی کند، و حرف طنز بزند، مواظب حد شوخی باشد، با یکدیگر شوخی کردن، وقار را کم می‌کند، کم کم - خدای ناکرده - نگرانی ایجاد می‌کند، انسان نشاط را با درایت باید مدیریت کند به هر تقدیر سفارش وجود مبارك امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) به پسران خود و به برادرزاده‌های خود همین بود که فرمود: «إتكم صغار قوم و يوشك أن تكونوا كبار قوم آخرين» هم‌اکنون به فکر علم صحیح و عمل صالح باشید!!

امام حسن مجتبی (ع): من هم محتاج خدا هستم پس هیچ نیازمندی را رد نمی‌کنم

گفتاری از آیت الله جواد فاضل لنکرانی

«قيل له : لأى شيء لا نراك ترد سائلا وان كنت على ناقة ؟ فقال عليه السلام : انى لله سائل ، وفيه راغب وانا استحيى أن اكون سائلا وأرد سائلا ، وان الله عودنى عادة أن يفيض نعمه على وعودته أن أفيض نعمه على الناس فأخشى إن قطعت العادة أنى منعنى العادة»

به حضرت عرض شد چرا شما هرگز نیازمندی را نا امید بر نمی‌گردانید، اگر چه سوار بر شتر باشید؟ فرمود: خود من هم محتاج و

نیازمند درگاه خداوند هستم و دوست دارم که خداوند مرا محروم نگرداند و شرم دارم در حالی که نیازمند هستم، نیازمندان را نا امید کنم. عادت خداوند این است که نعمتهایش را بر من ارزانی بدارد و عادت من هم این است که نعمتهایش را به بندگان عطا کنم و می ترسم که اگر از این عادت خود دست بردارم خداوند هم دست از عادت خود بردارد.

«لای شیء لا نراک تردّ سائلاً»، برای چه ما هر وقت می بینیم کسی سراغ شما می آید و چیزی از شما می خواهد شما رد نمی کنید؟ «فأجاب»، ببینید چه جوابی می دهد؟ حالا اگر افراد معمولی بخواهد جواب بدهند یک جواب های معمولی مطابق با ذهن معمولی خود ما داده می شود، گاهی اوقات می گوئیم مثلاً می خواهیم جنبه ی پدری کنیم؟ کمک به هم نوع ماست، این هم انسان و من هم انسان هستم چرا من سیر و او گرسنه باشد؟ روی ترحم و دلسوزی است که البته اینها هم بد نیست!

ولی تحلیل ما از کمک کردن به دیگران در همین دایره ها دور می زند اما ببینید امام حسن (ع) چه فرموده؟ فرموده «إني لله سائلٌ وفيه راغبٌ»، عرض می کند من خودم نسبت به خدا سائلم، یعنی خودم یکی از سائلین هستم و نسبت به خدا امید و رغبت دارم «و أنا استحيي أن أكون سائلاً و أردّ سائلاً»، من حیا می کنم که خودم سائل باشم ولی در عین حال سائلی را رد کنم.

حالا عمده این جمله است «و إن الله عودني عادتا أن يفيض نعمة عليه و عودته أن أفيض نعمة على الناس» خدا یک عادتی داده که نعمش را به من جاری کرده و من هم این چنین با خدا برخورد کردم که نعم خدا را بر مردم جاری کنم، یعنی آنچه انسان به دیگری می دهد فکر نکند مال خودش هست، فکر نکند برتری نسبت به او دارد، بلکه او را بنده ی خدا بداند و بداند که اراده ی خدا و طلب خدا در این است که انسان این کار را انجام بدهد و به عبادش برسد.

همانطور که خدا نعمش را بر انسان افاضه می کند تخلّق به اخلاق الهی این است که این انسان هم در حدّ محدود خودش این نعم را به سایر بندگان برساند، این کجا و آن تحلیل های ضعیف دیگری که عرض شد کجا؟ نه ترحم در آن هست نه دلسوزی است و نه قوم و خویش بودن و هم نوع بودن و هم لباس بودن است! خدا این کار را می کند من هم می خواهم تا یک اندازه ی ضعیفی فعلم فعل خدا شود، بعد حضرت می فرماید: «فأخشي إن قطعت العادة أن يمنح العادة» اگر من این را ترک کنم خوف این را دارم که خدا هم لطفش را از من دور کند و من را از آن ممنوع کند.